



بیانات در محفل انس با قرآن کریم در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۴۵ - 22 / اسفند / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید. امروز جلسه‌ی ما بحمدالله در حدّ نصاب بود؛ جلسه‌ی بسیار خوب، کامل، جامع. و من صمیمانه تشکر میکنم، هم از ترتیب‌دهندگان این جلسه، هم از نقش‌آفرینان این جلسه‌ی باشکوه و پرمعنا و بسیار زیبا؛ کسانی که تلاوت کردند، کسانی که برنامه اجرا کردند، از یکایکشان من تشکر میکنم.

خوشبختانه تلاوت قرآن، تلاوت صحیح، تلاوت طبق قوانین و ضوابط قرائت، روزه‌روز در کشور در حال توسعه است. شاید روزی نیست که بنده خدای متعال را بر این نعمت عظمی شکر نکنم. [هر وقت که] تلویزیون را باز میکنم، یا یکی از قراء محترم - که بعضی‌هایشان هم اینجا تشریف دارند - یا تعدادی ترتیل‌خوان مشغول تلاوتند؛ می‌نشینم با لذت می‌شنوم و خدا را شکر میکنم. اینها به برکت انقلاب به ما داده شده و وقتی مقایسه میکنیم کشورمان را با دیگر کشورهای اسلامی، حالا نمیتوانم به طور قطعی بگویم و آمار دقیق ندارم، اما تصوّر بنده این است که تعداد قاری خوش‌خوان و درست‌خوان در کشور ما شاید از همه‌ی کشورهای اسلامی بیشتر باشد؛ حالا شاید استثنائاً یک کشور از این قاعده‌ی کلی خارج باشد، والا بقیه‌ی جاهای دنیا، آن‌طوری که می‌شنویم و بعضاً می‌بینیم، به جوانهای ما، به شما قراء عزیز و نور چشمان ما نمیرسند.

ارزش و عظمت تلاوت قرآن را از عظمت قرآن باید به دست آورد. شما ببینید در خود قرآن کریم، قرآن با چه القابی و با چه عناوینی معرفی شده؛ من چند نمونه‌اش را یادداشت کرده‌ام: «قرآن عظیم»، «قرآن کریم»، «قرآن مبین»، «قرآن مجید»، «قرآن حکیم»، «قرآن شفاء»، «قرآن رحمت»، «قرآن نور»، و عناوینی از این قبیل. وقتی خدای متعال که معدن عظمت است و منشأ عظمت است و خالق عظمت است، به یک چیزی عنوان «عظیم» بدهد - «وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (۲) - معنایش خیلی والا است، خیلی بالا است، خیلی ارزشمند است. شما این را دارید تلاوت میکنید! قرآن از همه‌ی آنچه خدای متعال در زیر آسمان خلق کرده والاتر و بالاتر است؛ قرآن «ثقل اکبر» است؛ فکرش را بکنید! اِئْتِ تَارِكٌ فَيَكْمُ الثَّقَلَيْنِ؛ (۳) ثقل اکبر - «ثقل» یعنی شیء گران‌بها - عبارت است از قرآن؛ یعنی ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام)، آن انوار طیبه‌ای که عالم وجود به نور آنها منور است، در درجه‌ی بعد از قرآنند. قرآن ثقل اکبر است؛ خیلی حرف مهمی است. ما با قرآن چه جوری برخورد میکنیم؟ شما که قرآن را تلاوت میکنید، یکایک شما تلاوت‌گران قرآن، پیک عرش الهی به سوی ما فرشیان هستید؛ معنای تلاوت قرآن این است. شما دارید مضمون کلام الهی را برای ما بیان میکنید؛ هر کدام اهل دل باشیم، بر دلهای ما نازل میکنید قرآن را؛ هر کدام هم اهل گوش باشیم، گوش ما استفاده میکند. قدر خودتان را بدانید.

خب، چند نکته؛ یکی اهمّیت قرائت قرآن است. حالا عظمت قرآن به جای خود محفوظ، اشتمال (۴) قرآن بر معارف نورانی درجه‌ی یک عالم خلقت به جای خود محفوظ، [اما] نقس قرائت قرآن با ارزش است. خدای متعال به بزرگ‌ترین موجودی که خلق کرده، یعنی وجود مقدّس نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، دستور میدهد که قرائت کن! «فأقرءوا



ما تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» ؛ (۵) «فَاقْرَءُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ» ؛ (۶) باید قرآن را قرائت کنی، باید تلاوت کنی. «اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ» ؛ (۷) «اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ» ؛ (۸) [خدا] به پیغمبر دستور تلاوت میدهد. یکی از وظایف ما تلاوت قرآن است. به نظر این حقیر، در دنیای اسلام هیچ کس نباید پیدا بشود که یک روز بر او بگذرد و آیاتی از قرآن را تلاوت نکند ؛ همه‌ی ما باید تلاوت کنیم. بنده بارها در جمعهای مختلف گفتم، هر چه میشود [بخوانیم]: «فَاقْرَءُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ» ؛ بعضی‌ها روزی پنج جزء میخوانند، بعضی‌ها روزی یک جزء میخوانند، بعضی‌ها روزی یک حزب میخوانند ؛ شما [اگر] نمیتوانید، روزی یک صفحه بخوانید، روزی نیم صفحه بخوانید، [اما] بخوانید. قرآن باید تلاوت بشود.

در این بیانی که عرض کردیم، قرائت و تلاوت برای دل قاری است، لکن منحصر به این هم نیست ؛ منحصر به این نیست. هم دل قاری باید با تلاوت [قرآن] نورانی بشود، هم دل جامعه باید به تلاوت قرآن روشن بشود و منور بشود. خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «وَقْرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ» (۹) – [و در آیات متعدّد فراوان دیگر، همین آیاتی که عرض کردیم – یعنی بر مردم هم بخوانید ؛ این کار شما است. ما در خانه برای خودمان قرآن میخوانیم، شما یک کار بالاتر انجام میدهید، برای مردم قرآن میخوانید، بر مردم تلاوت میکنید ؛ این خیلی باارزش است. قدر خودتان را بدانید. ارزش کارتان را بدانید.

یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی مهمّ تدبّر است. قرآن را بایستی با تدبّر خواند. البته تدبّر مراتبی دارد. تدبّر یعنی از ظاهر انیق قرآن به باطن عمیق قرآن رسیدن: ظاهره انیق و باطنه عمیق ؛ (۱۰) این ظاهر، همین زیبایی‌های کار شما و الفاظ خود قرآن و زیبایی‌های خود قرآن است. باطن عمیق، آن چیزی است که با تدبّر به دست می‌آید. وقتی هر چه فکر کنید، دقت کنید، فهم کنید مسائل حول و حوش یک آیه را، یا یک کلمه را، معارف و مفاهیم بیشتری را به دست می‌آورید ؛ این میشود تدبّر. کتاب انزلناه إليك مبارک ليدبّروا آیاته ؛ (۱۱) این [جور] است، یعنی اصلاً کتاب نازل شده برای تدبّر، برای فهمیدن. همه‌ی این چیزهای دیگر مقدمه‌ی فهمیدن است.

یک نکته در اینجا وجود دارد ؛ وقتی به ما میگویند تدبّر کنید، معنایش این است که خدایی که خالق ما است، میداند ما ظرفیت رسیدن به آن عمق را داریم، والا نمیگفتند تدبّر کنید. اینکه خدای متعال میگوید از قرآن عمقیابی کنید، معنایش این است که شما میتوانید ؛ این ظرفیت در شما هست که عمقیابی کنید در قرآن. البته همه باید مواظب باشند که عمقیابی از قرآن با تفسیر به رأی فرق دارد، با تحمیل نظرات خود بر قرآن فرق دارد، با تکیه کردن بر دانسته‌های ناقص و کوتاه‌بین خود فرق دارد ؛ شرایطی دارد که حالا اگر شد، آن شرایط را هم یک اشاره‌ای خواهم کرد.

خب، یک مسئله، مسئله‌ی هنر تلاوت است. این را عرض بکنم که امروز خوشبختانه تلاوتها خیلی خوب بود ؛ یعنی غالباً در این جلسه‌ی ما تلاوتها خوب است. امروز یک آرایه‌ها و آرایشهای نوینی را انسان مشاهده میکرد از این جوانهایی که الحمدالله وارد قرآن شده‌اند، پا در وادی قرآن خواندن گذاشته‌اند ؛ کار نوجوان‌های عزیز ما هم کار خوبی بود، تلاوتگران عزیز ما هم انصافاً خیلی خوب از عهده‌ی تلاوت برآمدند.

تلاوت یک هنر است، منتها تفاوتش با هنرهای دیگر این است که مقدّس است ؛ «هنر مقدّس». این خیلی چیز خوبی است ؛ این، هم هنر است – برترین زیبایی‌های ناشی از ذهن انسان، هنر نامیده میشود – هم دارای تقدّس



است؛ اما نکته‌ی اساسی این است که این هنر و همه‌ی پیرایه‌های این هنر و همه‌ی آرایه‌های این هنر – که شماها که اهل این هنر هستید، توجه به این پیرایه‌ها و آرایه‌ها دارید – همه‌ی اینها ابزار است، همه‌ی اینها وسیله است. ابزار چه چیزی؟ ابزار انتقال معنی.

من سال گذشته در همین جلسه عرض کردم (۱۲) شما وقتی تلاوت میکنید، چه کار میخواهید بکنید؟ قرآن را میخواهید نشان بدهید یا خودتان را میخواهید نشان بدهید؟ این مهم است. خب ماها که ضعیفیم؛ اینکه بکلی خودمان را کنار بزنیم، حذف کنیم، عقب بزنیم، از امثال بنده، آدمهای ضعیف که بر نمی‌آید؛ اما حداقل توجه داشته باشیم که هدف اصلی، مطرح کردن قرآن است؛ حالا «خود» هم کنارش مطرح شد، شد. قرآن باید مطرح بشود؛ این در نوع تلاوت شما خیلی فرق ایجاد میکند. یک جاهایی آدم میبیند که این قاری‌های معروف بزرگی که هستند، این نکته بعضاً در کارشان مشاهده نمیشود. خب، فرض کنید تکرار [آیات] یک جاهایی، در یک آیاتی خوب است، یک جاهایی لازم است؛ اما چقدر تکرار؟ تلاوتی را من گوش میکنم، یک آیه‌ای که هیچ لزومی هم ندارد تکرار بشود، قاری این آیه را ده بار تکرار میکند! معنای این چیست؟ معنایش این است که این قاری موسیقی‌دان خوبی است، صدای خوشی هم دارد، میخواهد این را با شکل‌های مختلف بخواند. [مثلاً] «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ»؛ (۱۳) خب «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ» که تکرار ندارد؛ حالا بفرض، دو مرتبه [تکرار شود، اما] این را ده مرتبه تکرار کردن [دلیلی ندارد]. اینکه میگویم ده مرتبه، حالا شاید مثلاً نه مرتبه [بوده]! من شمردم، همین‌طور تکرار، تکرار، تکرار! این، آن چیزی نیست که انسان از قاری توقع دارد؛ این را نباید ما فراموش کنیم.

خود قرآن هنر است؛ خود قرآن یک اثر هنری خدایی و الهی است؛ یک اثر هنری است. حالا افرادی که صاحب نظرند و صاحب دقتند و صاحب تدبّرند، بتدریج یک چیزهایی از گوشه کنارهای این اثر هنری را در طول تاریخ فهمیده‌اند؛ از جمله اینکه مثلاً قرآن هنر تصویر دارد، یعنی حوادث را تصویر میکند؛ [مثل] این کتابی که نوشته‌اند: *التصوير الفنى فى القرآن*؛ (۱۴) تصویر هنری در قرآن. قرآن وقتی خیلی چیزها را میخواهد بیان کند، یک منظره‌ای را، مثلاً منظره‌ی قیامت را، شما ببینید در قرآن با چه بیان‌های متنوع و متعددی قیامت و صحنه‌های قیامت و عرصه‌ی قیامت جلوی چشم انسان تصویر شده؛ یا عرصه‌ی جهاد تصویر شده: «وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا»؛ (۱۵) این تصویر است، دارد نشان میدهد. میشود گفت که خب سوار اسب شدند، اسب‌سوار رفت طرف میدان، اما اینکه در این آیه می‌آید قسم می‌خورد به آن اسبی که دارد نفس‌نفس می‌زند، قسم می‌خورد به آن اسبی که سُمش به سنگ می‌گیرد و مثلاً جرّقه می‌زند، این [دارد] تصویر میکند منظره را.

در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره در وصف منافقین این آیه‌ی شریفه «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ»، (۱۶) این تصویر، یک بُعدی از ابعاد منافق است؛ این منافقی است که اول از روی هیجان یک ایمانی آورده، استوقد نارا فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم، [اما] مرضی که در دل او بوده موجب شده که خدا این نور را از او بگیرد: وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ؛ این تصویر یک بُعد از ابعاد شخص منافق است. بعدش بلافاصله یک بُعد دیگر: «أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ»، (۱۷) این هم یک بُعد دیگر از ابعاد منافقین بوده. «صَيِّبٌ» باران تند است. خب باران که رحمت است اما در کنار این باران، رعد هست، برق هست، این [فرد] می‌ترسد؛ ظلمات هست، از آن می‌ترسد؛ از بارانش بهره نمی‌برد اما از رعد و برقش می‌ترسد؛ همان که در سوره‌ی منافقون «يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ» (۱۸) [آمده]؛ این ابعاد منافق را بیان میکند؛ ببینید قرآن تصویر [میکند]. خب این را شما میخواهید بیان کنید، شما



میخواهید این تصویر را که در کلام هست و معجزه است، به ذهن و دل مخاطب خودتان منتقل کنید؛ این خیلی هنر بزرگی است، هنر عظیمی است.

خب حالا در زمینه‌ی تلاوت البتّه خیلی مطلب هست. بنده واقعاً من قلباً عمیقاً علاقه و محبّت و ارادت دارم به قرّاء عزیزمان؛ از اساتید و پیشکسوتها و قدیمی‌ها گرفته تا جوانها و کسانی که تازه وارد این میدان شده‌اند، واقعاً یکایک اینها را من قلباً و عمیقاً دوست میدارم، اما خب یک تذکراتی هست که باید این تذکرات رعایت بشود.

شما بدانید که باید مصداق «الَّذِينَ يُبْتَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» (۱۹) باشید؛ دارید رسالت الهی را ابلاغ میکنید دیگر. کدام رسالت قطعی‌تر، متقن‌تر، واقعی‌تر از آنچه شما در جلسه‌ی قرائت قرآن اداء میکنید؟ باید این جور باشید؛ باید خودتان را تطبیق کنید با این آیه: الَّذِينَ يُبْتَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ؛ ببینید اینهایی که تبلیغ رسالت الله میکنند، چه جوری هستند و چه جوری باید باشند. این یک مطلب.

«توجه به معنا»؛ توجه به معنای آیه‌ای که دارید میخوانید داشته باشید و سعی کنید در دل، خشوع نسبت به آن معنا پیدا کنید. این خشوع شما در مستمع اثر میگذارد. وقتی شما با خشوع قرآن میخوانید، با توجه قرآن میخوانید، مستمع شما تحت تأثیر خشوع شما قرار میگیرد، او هم خاشع میشود. توجه به مضامین آیات، این خشوع را ایجاد میکند.

از «غنا حرام» جدّاً پرهیز بشود؛ این را توجه داشته باشید. البتّه در باب غنا حرف زیاد است، اما بعضی از الحان، غنا است. بنده حالا صریح بگویم؛ من تلاوتها را گوش میکنم، بخصوص بیشتر آنچه از رادیو پخش میشود. گاهی اوقات بعضی از این قرّاء معروف مصری وقتی میخوانند، بنده خاموش میکنم؛ یعنی شبهه میکنم. مثلاً فرض کنید محمد عمران بعضی اوقات وقتی میخواند، واقعاً من شبهه میکنم. حالا ظاهراً از دنیا هم رفته؛ خدا رحمتش کند. یا بعد از او مثلاً عبدالمنعم؛ اینها خوش خوانند، صداهای خوبی دارند، انصافاً در موسیقی هم فوق‌العاده استاد هستند، اما گاهی اوقات آنچه او میخواند، سبک خواندن غناهای عربی است؛ یعنی تلاوت قرآن نیست. البتّه بعضی از اساتید برجسته و بزرگ قرآن هم که بنده به آنها خیلی علاقه دارم، گاهی اوقات یک چنین چیزهایی در کارشان دیده میشود؛ یعنی این جور نیست که بخواهیم بگوئیم آنها [اشکالی ندارند]؛ بعضی هم نه؛ بعضی از این قدیمی‌ها مثل عبدالفتاح شعشعی و امثال اینها، انصافاً از چهارچوب تلاوت قرآنی هیچ تجاوز نمیکنند؛ [اما] این جوانهای امروزی که از مصر گاهی اینجا و آنجا پیدایشان میشود و یک چیزهایی میخوانند، چرا، اینها انصافاً خیلی اوقات از آن ضوابط و موازین تخطی میکنند. این هم یک نکته.

بعضی از قرّاء عزیز ما هم که خب صداهای خوبی دارند، این صدای خوش موجب میشود که یک جاهایی میل به یک تحریرهای اضافی و زائد پیدا بشود. [گفت:] پری‌رو تاب مستوری ندارد

چو در بندی سر از روزن برآرد! (۲۰)

اینجا خودتان را نگه دارید. آنجایی که می‌بینید دوست میدارید که حالا همین‌طور بدون اینکه جایش باشد و موردی داشته باشد، یک تحریر اضافه بدهید، اینجا انصافاً اراده لازم است، اراده‌ی قوی لازم است که انسان خودش را حفظ کند و نگه دارد.



از اداهای بعضی از قراء هم تقلید نکنید. شما ایرانی هستید و یک هنجارهای زیبا و شیوای خاص خودتان را دارید؛ هیچ لزومی ندارد هر جوری که آنها مثلاً حرکت میکنند، انسان آن جوری حرکت کند یا مثلاً آن جوری لباس بپوشد. گاهی نشان میدهند این قراء ما را که مثلاً بیرون هستند، بنده میبینم لباسهایشان شبیه لباسهای آنها است؛ نه، شما همین لباس خودتان را تنتان کنید، با افتخار بروید بنشینید، بهتر از او بخوانید، که بهتر هم میخوانید؛ خیلی تان بهتر از آنها هم میخوانید. این هم یک مسئله.

مسئله دیگری که میخواهم تأکید بکنم، این است که خب رشد تلاوت قرآن و جلسات قرآنی و حلقات قرآنی در کشور واقعاً برتر از توصیف است. یعنی بارها بنده گفته‌ام، قبل از انقلاب وضع محافل قرآنی با امروز [از لحاظ] تعداد و کیفیت، زمین تا آسمان فرق داشت. امروز خب بحمدالله هزاران محفل قرآنی وجود دارد؛ دستگاه‌های مختلفی از جهات مختلف به مسائل قرآنی میپردازند؛ اوقاف یک جور، سازمان تبلیغات یک جور، بخشهای مربوط ویژه قرآنی یک جور؛ انصافاً خوب است؛ در این تردیدی نیست؛ اما من عقیده‌ام این است که ما هنوز کم داریم؛ ما کم داریم. سر قضیه‌ی حفظ، سر قضیه‌ی تلاوت، سر قضیه‌ی انس با قرآن هنوز جای کار زیاد است. ای کاش، ای کاش هر مسجدی یک محفل تلاوت قرآن باشد! یک قاری قرآن در مسجد حضور داشته باشد، حالا هر شب نه، مثلاً فرض کنید هفته‌ای یک بار، هفته‌ای یک شب، هفته‌ای یک نوبت، دو نوبت جوانهای محل جمع بشوند، قرآن بخوانند، تلاوت کنند. تکثیر حلقات قرآنی در سرتاسر کشور، چه در مساجد، چه در منازل؛ در منازل هم آن کسانی که آمادگی دارند.

یک مسئله، مسئله‌ی تفسیر قرآن است. تفسیر قرآن خب خیلی مهم است. یعنی از ظاهر قرآن انسان میتواند موارد زیادی استفاده کند، لکن گاهی در تفاسیری که بزرگان ما نوشته‌اند، نکاتی هست که برای انسان تازه است. خب بنده خودم سالها است با تفسیر مأنوسم اما در عین حال همین حالا یک مواردی پیش می‌آید که ابهام دارم، به تفسیر مراجعه میکنم، مطلب نویی را استفاده میکنم، علاوه بر آنچه انسان از خود تلاوت استفاده میکند. و این به تدبیر کمک میکند – اینکه گفتم راجع به تدبیر [مطلبی میگویم] – این کمک میکند به اینکه بتوانید اصحاب تدبیر باشید. مثلاً یک روحانی فاضل مرتبط با قرآن، روحانی قرآنی، دعوت بشود و با ابتکار، به صورت جذاب – نه به صورت کسل کننده – تفسیر بگوید. مثلاً فرض کنید شما دارید تلاوت میکنید، یک جا متوقف کند خواننده را، یک آیه‌ای را، یا یک نکته‌ای را که در خلال این آیه وجود دارد، برای مستمعین بیان کند؛ بعد با صدای خوش همان خواننده، [آیه] مجدداً تکرار بشود؛ اینها بعضی‌هایش تجربه شده است – البته خیلی اندک – بعضی‌هایش را هم شما میتوانید با ابتکارات خودتان ایجاد کنید و توسعه بدهید. غرض، تلاوت قرآن را به سمت ترجمه‌ی قرآن و مرتبه‌ی بالاتر، تفسیر قرآن پیش ببرید که این موجب تدبیر بشود. اول ترجمه‌ی قرآن است؛ یعنی واقعاً این جور باید باشد که در کشور در جمعهای مختلف – جوانها، نوجوانها – وقتی آیه‌ی قرآن خوانده میشود، مضمون آیه را همه بفهمند؛ ولو حالا به جزئیات و تفصیل نتوانند دست پیدا کنند، مضمون آیه را همه بفهمند و آیاتی را حفظ داشته باشند و از آیاتی استفاده کنند؛ این به ارتقاء سطح معرفت دینی کشور و جامعه کمک میکند.

اینجا تصویر غزه را نشان دادند. آن چیزی که حالا متناسب با جلسه‌ی ما بود، تلاوت قرآن بود. دیدید بچه‌هایی که قرآن میخوانند، همه از حفظ میخوانند؛ همه حافظ بودند، این تکه‌ها را [از حفظ میخواندند]. راه حفظ هم همین است؛ من قبلاً هم گفته‌ام که از نوجوانی بایستی حفظ شروع بشود؛ اینها حافظ قرآنند. هم حافظ قرآنند، هم به برکت اینکه عرب زبان هستند، مفاهیم قرآن را میفهمند. این [قرآن] است که توانسته این گروه (۲۱) و قله‌ی استقامت را در غزه و در فلسطین، بخصوص در خود غزه، به دنیا نشان بدهد؛ این [اثر] قرآن است. این، [آن] صبری است که



قرآن می‌خواهد؛ این استقامتی است که قرآن توصیه میکند؛ این پاداشی است که قرآن به صابرين وعده میدهد؛ این است که اینها را نگه داشته.

امروز کاری که در غزه دارد انجام می‌گیرد، از دو طرف در اوج است: از لحاظ جنایت و خباثت و وحشیگری و خونخواری در اوج است. بنده سراغ ندارم در جایی دشمنی مجهز به انواع سلاح، حمله کند به یک مردمی که هیچ سلاحی ندارند؛ نه اینکه سلاحشان عقب‌تر است؛ هیچ سلاحی ندارند. مردم بی‌دفاع غزه، مردم عادی در بیمارستان، در مسجد و در کوچه و بازار که سلاح ندارند؛ با انواع سلاح [به این مردم] حمله کند و به این اکتفا نکند، گرسنگی و تشنگی بدهد به این مردم بی‌دفاع، و بچه‌های کوچک و کودکان شیرخوار از گرسنگی بمیرند! بنده سراغ ندارم؛ این اوج خونخواری است، اوج وحشیگری است؛ این مفتضح‌کننده‌ی آن تمدنی است که عقبه‌اش اینها است؛ اینها تمدن غرب است؛ این دیگر پشت پرده نیست؛ این واضح است، آشکار است، جلوی چشم همه است، همه‌ی دنیا دارند می‌بینند. این از این طرف قضیه. آن طرف هم در اوج است؛ این صبر بی‌نظیر، این ایستادگی مردم. قدرت رزمندگی حماس و مقاومت موجود فلسطین در غزه یک طرف، استقامت مردم و خسته نشدن مردم یک طرف.

البته دشمن هیچ غلطی نتوانسته بکند، نتوانسته به مقاومت ضربه بزند. مبارزین مقاومت به بیرون پیغام دادند – که حالا به گوش ما هم رسیده – که از ناحیه‌ی ما نگران نباشید؛ بیش از اغلب، یعنی مثلاً نزدیک به نود درصد امکاناتمان و توانایی‌هایمان محفوظ است. این خیلی مهم است. چند ماه است که [صهیونیست‌ها] با انواع سلاحها، با انواع کمکهای خائنانه و ظالمانه‌ی آمریکا و دیگران دارند با مقاومت فلسطین می‌جنگند، مقاومت همچنان قدرتمند، همچنان ایستاده، آنجا حضور دارد و به توفیق الهی، به فضل الهی، مقاومت بینی صهیونیست‌ها را به خاک خواهد مالید.

دنیا‌ی اسلام مکلف است، موظف است، تکلیف دینی دارد که هر کس هر جور میتواند کمک کند، و حرام قطعی و جنایت واقعی است کمک به دشمن اینها از سوی هر کسی باشد. و متأسفانه در دنیا‌ی اسلام، کسانی، قدرتهایی، دولتهایی هستند که به دشمنان این مردم مظلوم کمک میکنند؛ ان‌شاءالله یک روزی، هم خودشان پشیمان میشوند و سزای این خیانت را خواهند دید، هم خواهند دید که بی‌فایده بوده است آنچه انجام دادند.

امیدواریم پروردگار عالم روزه‌روز اسلام و مسلمین را عزت و نصرت بیشتری عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، تعدادی از قاریان و گروه‌های قرآنی به اجرای برنامه‌ی خود پرداختند.

۲) سوره‌ی حجر، بخشی از آیه‌ی ۸۷

۳) امالی صدوق، مجلس شصت و چهارم، ص ۴۱۵

۴) فراگیری

۵) سوره‌ی مزمل، بخشی از آیه‌ی ۲۰؛ «... [اینک] هر چه از قرآن میسر میشود بخوانید...»

۶) سوره‌ی مزمل، بخشی از آیه‌ی ۲۰؛ «... پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید...»

۷) سوره‌ی یونس، بخشی از آیه‌ی ۷۱



- ۸) سوره‌ی شعراء، بخشی از آیه‌ی ۶۹
- ۹) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۱۰۶؛ «و قرآنی [باعظمت را] بخش‌بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی...»
- ۱۰) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۸؛ «قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیدا است.»
- ۱۱) سوره‌ی ص، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره‌ی] آیات آن بیندیشند...»
- ۱۲) بیانات در محفل انس با قرآن کریم (۱۴۰۱/۱/۱۴)
- ۱۳) سوره‌ی یوسف، بخشی از آیه‌ی ۴
- ۱۴) نوشته‌ی سیّد قطب
- ۱۵) سوره‌ی عادیات، آیات ۱ و ۲
- ۱۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۷
- ۱۷) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۹
- ۱۸) سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «... هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند...»
- ۱۹) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۹؛ «همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ میکنند...»
- ۲۰) جامی. هفت اورنگ، مثنوی یوسف و زلیخا
- ۲۱) بالاترین نقطه یا حدّ چیزی